**Cordoba Scenes from Summer: کشاله های ران من، کشاله های ران تو برید امان من جان من برید امان من، درد تو رسید تا مغز استخوان من / کشاله ها مناقشات جان من برید نان من، آجر است در دهان من / ملامت است این کمان من , کشید بر زبان من , جان من / کشاله های ران تو برید امان من درد هجر تو رسید تا مغز استخوان من / ملاحضات ثانوی, کشاله های چاقوی، مشاوران خاتمی، مسافران زندگی، مناسکات معنوی معین حان من برید امان من سفید ران من / یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم خود را چو فرو ریزم با خاش درآمیزم چرا که من همان خاکم که هستم / یک روز سر زلف بلوندت چینم بهر دل مسکینم اینم، جگرم اینم / یک روز که باشم مست لایعقل و طرد و سست یک روز ارس گردم اطراف تو را گردم از خاک برآرم تو بر آب نشانم تو کشتی ای شوم جاری دور از همه بیزاری / دریای خزر گردم خواهی تو اگر جونم محصول هنر گردم خواهی تو اگر جونم صد سینه سپر گردم خواهی تو اگر جونم یک روز بصر گردم یک روز نظر گردم پانصد سر سر در گم ای وای / حبل المتین گیست جمعا به تو آویزیم لاتفرقوا و اعتصموا / یک روز درآویزم در گیس تو آمیزم یک روز دو چشمم خیس یک روز دلم چون گیس آشوفته و ریساریس بردار دگر بردار بردار به دارم زن از روی پل فردیس / ای درد تو ام درمان درد بستر ناکامی وی یاد توام مونس در گوشه تنهایی / ای خاطره‌ات پونز نوک تیز ته کفشم این سندل رسوایی / گرگی تو و میشم من بر زلف تو آویزیم آب از تو سریشم من جمعا به تو آویزیم / اوگزاز و دیازپامی جر زلفت آرامیم چون زلف تو نآرامم رسوا و پریشم من سشوار.**